

## وضعیت میانی

دکتر کیم رایدلبارگر

خادمین مسیحی غالباً با موضوع مرگ و سوالات اجتناب‌ناپذیر ناشی از آن روبرو هستند. ماهیت مرگ سوالات دشواری را ایجاد می‌کند. غیر معمول نیست که مرگ یکی از اعضای خانواده یا بستگان با سخنانی ملایم و خوش‌آیند برای کودکان توضیح داده شود. ما اغلب چیزی مانند "مادر بزرگ در آسمان است" می‌گوییم، به این امید که به کوچولوهای گیج و غمگینی که با موضوعی سر و کار دارند که حتی الهیدانان فرهیخته آن را کاملاً درک نمی‌کنند، آرامش دهیم. درحالی که اگر مادر بزرگ به عیسی مسیح ایمان داشته، گفتن این که "او در آسمان است" مطمئناً پاسخ اشتباهی نیست، اما پاسخی ناقص است و می‌تواند گمراه‌کننده باشد. از دید کتاب مقدس می‌شود گفت: اگر مادر بزرگ ایماندار بوده، اکنون در حضور خداوند است و منتظر بازگشت او و رستاخیز بدنش است.

اتفاقی که برای مردم هنگام مرگ می‌افتد، موضوعی است که در الهیات مسیحی بسیار مورد بحث بوده، اما غالباً به اشتباه درک می‌شود. خصوصاً مبحثی که معمولاً تحت عنوان "وضعیت میانی" به آن پرداخته می‌شود. با توجه به احتمال ایجاد برداشت‌های غلط، لازم است در ابتدا در مورد مبحث وضعیت میانی توضیحاتی داده شود. وضعیت میانی به زمانی بین مرگ یک ایماندار مسیحی (و ورود فوری او به حضور خداوند) تا رستاخیز بدن او در زمان بازگشت مسیح گفته می‌شود. هنگامی که عیسی مردگان را در روز آخر زنده می‌کند، ارواح بی‌جسم با بدن‌هایشان پیوند می‌یابند و غیرفانی می‌شوند (اول قرن‌تین ۱۵: ۳۵-۵۸)، تا برای زندگی ابدی و اقامت در آسمان و زمین جدید مهیا شوند (مکاشفه ۲۱).

در چندین قسمت مشخص از کلام خدا، پولس به طور خاص به این موضوع می‌پردازد، این که بین زمان مرگ ایمانداران تا بازگشت مسیح چه اتفاقی می‌افتد. طبق دوم قرن‌تین ۵: ۸، ایمانداران بلافاصله پس از مرگ جسمانی خود به حضور خدا وارد می‌شوند. در واقع وقتی از آسمان صحبت می‌کنیم، منظور ما همین است. پولس می‌نویسد: "این را بیشتر می‌پسندیم که از بدن غربت کنیم و به نزد خداوند متوطن شویم." او همچنین در مورد خواسته‌ی خود می‌گوید: "خواهش دارم که رحلت کنم و با مسیح باشم، زیرا این بسیار بهتر است" (فیلیپیان ۱: ۲۳). وقتی می‌میریم، "با مسیح" هستیم و بلافاصله به حضور خدا وارد می‌شویم.

واضح‌ترین تصویر کتاب‌مقدس از آسمان، تصویری است که در مکاشفه باب‌های ۴-۶ نشان داده شده است، صحنه‌ای پر جلال از آسمان و نازل شدن تخت آسمانی پسر، پیش از بازگشت عیسی مسیح. در حالی که صحنه‌ی آشکار شده بسیار شگفت‌انگیز است، به خوبی دیده می‌شود که مقدسین در آسمان به آواز بلند می‌گویند: "ای خداوند قدوس و حق، تا به کی انصاف نمی‌نمایی و انتقام خون ما را از ساکنان زمین نمی‌کشی؟" (۶: ۱۰). کسانی که قبل از ما مرده‌اند و قبلاً در حضور خدا هستند و اکنون وضعیت میانی را تجربه می‌کنند، مشتاق بازگشت عیسی مسیح به زمین در روز رستاخیز و داوری هستند.

سه برداشت اشتباه مهم در مورد وضعیت میانی وجود دارد. اولین برداشت غلط از وضعیت میانی که معمولاً به عنوان "خواب روح" شناخته می‌شود، این است که پس از مرگ شخص ایماندار، روح او تا روز داوری به "خواب" خواهد رفت. در این دیدگاه، از زمانی که می‌میریم تا زمانی که در روز بازگشت عیسی بیدار می‌شویم، هیچ درک آگاهانه‌ای از بودن در حضور خداوند وجود ندارد. ما می‌میریم و سپس به "خواب" می‌رویم تا زمانی که مسیح بازگردد. این دیدگاه توسط جان کلونین در اولین رساله‌ی الهیاتی مهم او، کتابی با عنوان جذاب (تمام شب‌زنده‌داری‌های روح) *Psychopannychia*، مورد بررسی قرار گرفت. این دیدگاه برای مرگ یک حالت ناخودآگاه را در نظر می‌گیرد و این اشتباه است، چیزی بسیار شبیه به خواب بودن. بر اساس این دیدگاه ایمانداران از لحظه‌ای که آخرین نفس خود را می‌کشند تا زمانی که در روز داوری بیدار می‌شوند، چیزی به یاد نمی‌آورند. اما این برداشت نمی‌تواند عبارات کتاب‌مقدس را که به صراحت در مورد وضعیت یک ایماندار صحبت می‌کند، توضیح دهد. بودن آگاهانه و بلافاصله پس از مرگ در حضور خداوند و تجربه‌ی پر جلال آسمان که در مکاشفه ۴-۶ توضیح داده شده است.

دومین برداشت غلط این تصور است که وضعیت میانی زمانی است که انسان‌های گناهکار از وجود هرگونه گناهی که در آنها باقی مانده پاک می‌شوند. نمونه‌ی اصلی این دیدگاه اشتباه، آموزه‌ی برزخ در میان کاتولیک‌های رومی است. این ایده که وضعیت میانی زمان تطهیر است، ناشی از این باور اشتباه است که حتی اگر کسی با ایمان به عیسی مسیح بمیرد، ممکن است هنوز به وضعیت تقدس شخصی کافی برای ورود به آسمان نرسیده باشد، پس زمانی برای تطهیر لازم است تا پس از مرگ روح او به اندازه‌ی کافی "پاک" شود و بتواند وارد شادی کامل و مشارکت با مقدسین گردد. این دیدگاه فرض را بر عدم شایستگی کامل و لازم عیسی مسیح (زندگی سرسپرده و مرگش) قرار داده است. به نوعی که مسیح به تنهایی نمی‌تواند یک ایماندار را به اندازه‌ی کافی "مقدس" بسازد تا پس از مرگ وارد آسمان شود. با این حال، انجیل مبتنی بر این وعده است که همه‌ی آنچه ما نیاز داریم تا به عنوان "مقدسین" در نظر گرفته شویم به واسطه‌ی اتحادمان با مسیح و از طریق ایمان به او فراهم شده است. از لحاظ

جایگاهی که در آن قرار داریم، ما براساس عادل شمرده شدن در مسیح مقدس هستیم، در حالی که عملاً در طول زندگی خود در تقدس رشد می‌کنیم تا زمانی که در جلال خود کاملاً مقدس شویم.

سومین برداشت اشتباه (شاید رایج‌ترین دیدگاه در آمریکای مدرن) دیدگاهی است که وضعیت میانی (وجود بی‌جسم) را با حالت ابدی اشتباه می‌گیرد، به طوری که انتظار رستاخیز بدن، به شکلی که کتاب مقدس به وضوح تعلیم می‌دهد دیگر وجود ندارد (اول قرنتیان ۱۵: ۱۲ به بعد). در این دیدگاه، مرگ، روح را که (از قبل پاک) شده، از بدن یا جسم گناهکار آزاد می‌کند و از آنجا که رستاخیز از مردگان وجود ندارد، مردم پس از مرگ به عنوان ارواح آگاه و نامرئی به وجود خود ادامه می‌دهند. بسیاری از مردم، از جمله مسیحیان، حتی معتقدند که این ارواح در این زندگی با ما حضور دارند و در لحظات آزمایش یا زمانی که برای مرگ آنها غمگین می‌شویم، می‌توانیم حضور آنها را "احساس" کنیم، موضوعی که قرار است به ما آرامش و تسلی بدهد. چنین باورهایی ممکن است احساسی و جالب باشند، اما مبنای کتاب مقدسی ندارند، زیرا آموزه‌های کتاب مقدس در مورد رستاخیز بدن را نادیده می‌گیرند. این برداشت غلط همچنین کسانی را که غمگین هستند ترغیب می‌کند تا به جای امید عالی مسیحی به رستاخیز، از طریق حضور نامحسوس ارواح عزیزان فوت شده‌ی خود به دنبال آرامش باشند.

می‌توانیم این را بدانیم که وقتی مادر بزرگ فوت کرد، خوابش نبرد. او در آسمان و در حال پاک شدن گناهانش نیست. اگر مادر بزرگ ایماندار بوده، پس بلافاصله و به شکلی جلال یافته به حضور مسیح وارد شده. عیسی این کار را برای او بر روی صلیب و از طریق زندگی مطیعانه‌ی خود انجام داده است. مادر بزرگ آگاهانه در انتظار رستاخیز است، حتی اکنون که به چهره‌ی نجات‌دهنده‌ی خود می‌نگرد.

دکتر کیم رایدلبارگر، کشیش ارشد کلیسای اصلاح شده‌ی مسیح در آناهیم، کالیفرنیا، و یکی از مجریان برنامه رادیویی White Horse Inn است. او نویسنده کتاب‌های *A Case for Amillennialism* و *First Corinthians in the Lectio Continua series* در مجموعه لکتیو کانتینوا می‌باشد.

این مقاله در مجله [تیبیل تاک](#) منتشر شده است.